

### ۳ نکته‌ای که باید در مورد هوشع بدانید

مایکل برت

۱. هوشع، که نامش به معنای «نجات» است، در میان انبیای نویسنده از این جهت منحصر به فرد است که شهروند پادشاهی شمالی، یعنی اسرائیل بود و برای پادشاهی شمالی موعظه می‌کرد.

هوشع ۱: ۱ تاریخ خدمت هوشع را به دوران سلطنت یربعام دوم، پادشاه شمالی، و عزیا، یوتام، آحاز و حزقیا، پادشاهان جنوبی، نسبت می‌دهد. این هم‌عصر بودن او را با یونس (۲ پادشاهان ۱۴: ۲۵) نشان می‌دهد، نبی دیگری از شمال که خدمت او در دوران حکومت یربعام دوم انجام شد، اگرچه نوشته‌های یونس بیشتر مربوط به تجربه‌ی شخصی او با نینوا بود.

هوشع همچنین هم‌عصر عاموس، نبی فرستاده‌شده از جنوب به شمال، و نیز اشعیا و میکاه، انبیای پادشاهی جنوبی، بود. اگرچه مجموع سال‌های سلطنت بیش از صد سال خواهد بود، خدمت هوشع احتمالاً در سال‌های پایانی یربعام دوم (حدود ۷۵۳ قبل از میلاد) و سال‌های اول حزقیا (حدود ۷۲۵ قبل از میلاد)، پیش از سقوط سامره به دست آشوریان در ۷۲۲ قبل از میلاد، آغاز شد. این دوران، عصری آکنده از بحران‌های سیاسی و نابسامانی‌های مذهبی بود و هوشع با حسی از اضطرار، پیام خود را به مردمی اعلام می‌کرد که در آستانه‌ی سقوطی ملی قرار داشتند.

#### ۲. زندگی شخصی هوشع بازتاب‌دهنده‌ی پیام او بود.

ازدواج هوشع با جومر، تمثیلی عینی و آموزنده از پیامی بود که او مأمور به اعلام آن شده بود. در هوشع ۳: ۱، پیوند این ازدواج به رابطه‌ی عهدی خدا با اسرائیل به‌روشنی ترسیم شده است. هر دو رابطه—رابطه‌ی هوشع با جومر و رابطه‌ی خدا با قوم خویش—با محبت آغاز شد (نمود فیض الهی)، در اثر گناه با بی‌مهری مواجه گردید (نمود ناخشنودی الهی)، و با وفاداری حفظ شد (نمود وفاداری الهی). محبت پایدار و وفاداری بی‌چشم‌داشت هوشع به همسر خائنش، بازتابی باشکوه از محبت جاودانه و وفاداری بی‌زوال خدا به اسرائیل بود. در مقابل، بی‌وفایی جومر به هوشع، تصویری تلخ و هشداردهنده از عهدشکنی و خیانت روحانی اسرائیل به خدای خویش ارائه می‌دهد. در سراسر عهد عتیق، رابطه‌ی زناشویی نمادی از پیوند خدا با قومش تلقی می‌شود، اما در هیچ جای دیگر این تمثیل به اندازه‌ی کتاب هوشع با چنین ژرفا و تأثیری به کار گرفته نشده است.

با آنکه ازدواج هوشع نقش محوری در پیام کتاب دارد، اما یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل تفسیری را نیز در پی دارد. نقطه‌ی کانونی این چالش، فرمان ابتدایی خدا به هوشع برای ازدواج با «زنی زناکار» است (هوشع ۱: ۲). به‌ظاهر، این دستور با معیارهای اخلاقی و احکام شریعت که خداوند برای ازدواج کاهنان مقرر کرده بود—از جمله ممنوعیت ازدواج با زنان فاحشه (لاویان ۲۱: ۷، ۱۳)—در تعارض است. اگر ازدواج کاهن با زن فاحشه ننگ‌آور تلقی می‌شد، به‌نظر می‌رسد که این امر برای نبی نیز چنین باشد. افزون بر این، بر مبنای تثنیه ۲۲: ۱۳، ۲۰-۲۱، زنی که در زمان ازدواج عدم عفتش اثبات می‌گردید، مستوجب مجازات

مرگ بود. از این رو، به ظاهر مناسب‌تر آن بود که زندگی هوشع نبی با مراسم سوگواری آغاز شود، نه با جشن ازدواج. راه‌حل‌های پیشنهادی برای این معضل، عموماً در قالب دو تفسیر کلی ارائه شده‌اند: نخست، دیدگاهی که این ازدواج را تمثیلی یا فرضی می‌داند، و دوم، دیدگاهی که آن را واقعه‌ای تاریخی و واقعی تلقی می‌کند.

دیدگاه فرضی، روایت ازدواج را صرفاً به‌مثابه ابزاری تمثیلی برای بیان رابطه‌ی خدا با اسرائیل و بی‌وفایی روحانی اسرائیل به خدا تفسیر می‌کند. برتری این تفسیر در آن است که از مشکلات اخلاقی اجتناب می‌کند، در حالی که همچنان امکان بهره‌برداری الهیاتی از الگوی ازدواج به‌عنوان نمود محبت الهی به قوم نالایق را فراهم می‌سازد. با این حال، ضعف اساسی آن، تکیه‌ی بیش از حد بر مصالح الهیاتی به‌جای شواهد مستقیم متنی است.

در مقابل، تفسیرهای متعددی از رویکرد تحت‌اللفظی وجود دارد که همگی بر وقوع یک ازدواج واقعی میان هوشع و جومر توافق دارند، ولی در خصوص ماهیت یا زمان وقوع زناکاری نسبت داده‌شده به جومر اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند که جومر از ابتدا فاحشه بوده است و بر این اساس استدلال می‌کنند که خداوند، به‌منظور نمایش محبت بخشنده‌ی خود نسبت به گناهکاران نالایق، از معیارهای قبلی خود عدول کرده است. گروهی دیگر، زناکاری را نه به انحراف جنسی، بلکه به انحراف روحانی (بت‌پرستی) تفسیر می‌کنند. این تفسیر، مشکل ازدواج با زنی ناپاک از نظر جنسی را برطرف می‌سازد، اما در عوض، مسئله‌ی جدی‌تری را ایجاد می‌کند: اینکه آیا خداوند به نبی خویش دستور داده تا با زنی بت‌پرست ازدواج کند؟ چرا که نهی صریح الهی درباره‌ی ازدواج با دیگران در تثنیه ۷: ۳-۴ به‌روشنی بیان شده است.

تفسیر تحت‌اللفظی دیگری که با عنوان «دیدگاه پیش‌نگرانه» شناخته می‌شود، بر این باور است که جومر در هنگام ازدواج پاکدامن بود، اما در ادامه به زناکاری روی آورد. با این حال، متن صراحتاً به وضعیت موجود جومر اشاره می‌کند، نه آنچه ممکن است در آینده رخ دهد. راه‌حل دیگر آن است که واژه‌ی «زناکاری» نه به‌مثابه رفتاری بیرونی، بلکه به‌عنوان توصیفی از ویژگی درونی فرد در نظر گرفته شود. بر این اساس، این واژه به‌گرایش پنهان جومر به بی‌اخلاقی اشاره دارد که اندکی پس از ازدواج آشکار شد. چنان‌که در هوشع ۳: ۱ نیز تصریح شده، او به‌واقع به زنی زناکار تبدیل شده بود؛ امری که نشان می‌دهد تمایلات درونی‌اش در عمل به زنا‌ی واقعی منتهی گردید. در این دیدگاه، نکته‌ی کلیدی آن است که خداوند از همان آغاز، حقیقتی در مورد درون جومر را بر هوشع آشکار ساخت؛ حقیقتی که قداست ازدواج را تهدید می‌کرد. این‌که هوشع از ابتدا آگاه بود که جومر توانایی آسیب رساندن به او را دارد، بر ماهیت ایثارگرانه‌ی محبت او تأکید می‌کند. و همین نکته است که پیوند اصلی این روایت با آموزه‌ی روحانی برای ایمانداران را شکل می‌دهد: خدا ما را با وجود آنچه در مورد ما می‌داند دوست دارد.

### ۳. پیام هوشع فیض خدا در مسیح را پیش‌بینی می‌کند.

هشدارها و دعوت‌های هوشع به توبه نادیده گرفته شد و داوری بر قوم اجتناب‌ناپذیر بود. با این حال، عواقب رد جاهلانه و احقمانه‌ی پیام نبی توسط اسرائیل، تجلی فیض انجیل را پیشاپیش نوید می‌داد. بر اساس ۲ پادشاهان ۱۵: ۲۹، سرزمین نفتالی

اولین سرزمینی بود که داوری خدا را تجربه کرد. اما بر اساس متی ۴: ۱۲-۱۶، این همان ناحیه‌ای بود که نخستین بار شاهد خدمت عیسی شد. تاریکی روزگار هوشع جای خود را به نور مسیح می‌داد. آن زمان تاریکی، گامی در مسیر فرا رسیدن «کمال زمان» بود؛ زمانی که نور خواهد درخشید و آشکار خواهد ساخت که مقاصد و برنامه‌های خدا همواره در نهایت به تحقق می‌پیوندند.

این مقاله بخشی از مجموعه «هر کتاب از کتاب مقدس: ۳ نکته‌ای که باید بدانید» است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

**دکتر مایکل پی. وی. برت**، معاون امور علمی، رئیس دانشگاه و استادیار عهد عتیق در دانشگاه الهیات اصلاح‌شده پیوریتن در گرند ریپدز، میشیگان فعالیت می‌کند. او به عنوان نویسنده‌ی چندین اثر از جمله «شروع با موسی: راهنمای کشف مسیح در عهد عتیق» و «حکمت برای زندگی: ۵۲ مراقبه از عهد عتیق» شناخته می‌شود.